

همگرایی مثبتی بین توده‌های مردم و چهره‌ها در ماجرای بندرعباس به وجود آمده است

آتش همدلی گرم‌تر بود



زهرا طهرانی خبرنگار گروه سیاست

صف‌های طولانی برای اهدای خون به مصدومان حادثه بندر، عزاداری و دمام زنی نوازندگان در فستیوال کوچه، تک‌سکانس‌هایی از همدلی و انسجام اجتماعی بعد از این حادثه بودند. اگرچه از همان ساعات ابتدایی، رسانه‌های فارسی‌زبان روی فرمان قدیمی پمپاژ ناامیدی و نارضایتی حرکت کردند، اما جامعه ایرانی همانند همه موقعیت‌های

مشابه، بی‌توجه به نارضایتی‌ها و دلخوری‌ها، تصویری از همدلی و انسجام را به نمایش گذاشت تا آنجا که حالا بیش از تصاویر تلخ این حادثه، همدلی اجتماعی در مرکز توجه رسانه‌ها قرار داد. بروز اختلافات سیاسی و حتی اجتماعی در موضوعات مختلف، باعث شده بود تا این فرض حداقل در نگاه تحلیلگران کم‌رنگ شود که جامعه ایرانی، هنوز یکپارچگی خود را حفظ کرده است، اما همدلی و کنش اجتماعی مردم در هنگام بروز بحران‌ها و حوادث، باز هم یادآوری کرد که همدلی ملی در ذات ایرانیان است و فراموش‌شدنی

میثم‌مهدیان:

هم‌سرنوشتی ملی در بروز حوادث، در کمتر کشوری دیده می‌شود



می‌گذارانید.

جوهره فرهنگی ایرانی‌ها باعث می‌شود در حوادثی مشابه انسجام اجتماعی رخ دهد

مهدیار به این موضوع اشاره کرد که در سال‌های گذشته، تلاش‌هایی برای تضعیف انسجام اجتماعی انجام شده و گفت: «پاریگری و بسیج‌شوندگی یکی از خصائص جامعه ایرانی است علی‌رغم اینکه بخش زیادی از آن به‌بوم و اقلیم و وجوه دینی و آیینی و مناسکی آن برمی‌گردد که در کشور ما وجه قوی‌ای دارد. منتها این انسجام اجتماعی، پاریگری، بسیج‌شوندگی، در دهه‌های گذشته به‌خصوص توسط ایده‌هایی که در حوزه توسعه دنبال می‌شده، تضعیف شده است. سیاست‌های مختلف توسعه شهری، توسعه روستایی، توسعه اقتصادی یا فرهنگی یا در حوزه کشاورزی، اصلاحات ارضی، این‌ها آن فضای تاریخی سنتی جامعه ما را به هم زده و باعث تغییرات و جابه‌جایی‌های بزرگ فرهنگی و جمعیتی شده است. وقتی جابه‌جایی‌های جمعیتی و مهاجرت‌های بزرگ اتفاق می‌افتد، قاعدتاً آن حافظه تاریخی و حافظه جمعی فرهنگی که در مشارکت، پررنگ بوده، تضعیف می‌شود، اما علی‌رغم همه فشارهایی که ساختارهای توسعه‌ای و نهادهای جدید در جوهره فرهنگی و هویت تاریخی ایرانیان آوردند؛ اما به نظر می‌رسد، هنوز رشحات قابل توجهی از آن جوهره فرهنگی وجود دارد و خودش را در بحران‌ها نشان می‌دهد. در یک دهه اخیر چند بحران مختلف در دنیا داشتیم که این‌ها خودشان را نشان دادند. برای مثال کرونا را داشتیم، بخش زیادی از کنش‌های پاری‌گرانه و مشارکتی ایرانی‌ها در دوره کرونا اتفاق افتاد. در زلزله سرپل‌ذهاب نیز همین اتفاق افتاد. حادثه مترو پل آبادان را داشتیم، حادثه پلاسکو. اینکه حادثه‌ای در بندرعباس یا آبادان یا تهران رخ می‌دهد و یک هم‌سرنوشتی ملی اتفاق می‌افتد و همه کشور درگیر می‌شوند در کمتر کشوری اتفاق می‌افتد، کشورهای دیگری مثل آمریکا که مهد ابلاای طبیعی هستند، وقتی اتفاقی در یکی از ایالت‌ها می‌افتد، بقیه کشور، خیلی درگیر ماجرا نمی‌شوند. حتی وقتی یک اتفاق در چند ایالت اتفاق می‌افتد بقیه ایالت‌ها درگیر نمی‌شوند. اما در ایران آن جوهره فرهنگی و هم‌سرنوشتی باعث می‌شود در چنین حوادثی جنبه‌جوش ملی اتفاق بیفتد، علی‌رغم اینکه ممکن است این کنش‌ها به نسبت چند دهه قبل مقداری ضعیف‌تر شده باشد؛ اما به نسبت بقیه جوامع و کشورها در سطح بالایی قرار دارد.»

حفظ جوهره فرهنگی ایرانی‌ها نیازمند برنامه‌ریزی در حوزه‌های هویتی

مهدیار در مورد اینکه چطور می‌توان این تصویر همبستگی اجتماعی را حفظ کرد، گفت: «بخش زیادی از تحلیل این جوهره فرهنگی، به‌خاطر سیاست‌های توسعه‌ای و مدیریت برنامه‌ریزی توسعه در ایران اتفاق افتاده است، ازاین جهت فقط وقتی می‌توان این جوهره را حفظ و تقویت کرد که برنامه‌ریزی‌های ما برای توسعه، مبتنی بر این تاریخ و فرهنگ باشد. یعنی در حوزه اندیشه توسعه ما باید اصلاحاتی انجام دهیم که بتوانیم آن را حفظ کنیم. اگر به همین شیوه و مسیر و روندی که در توسعه در چند دهه گذشته داشتیم ادامه دهیم، طبیعتاً، هر روز، بیشتر از قبل تحلیل می‌رود، این نیازمند آن است که ما در حوزه اندیشه‌ای توسعه، جامعه‌شناسی توسعه، مردم‌شناسی توسعه و برنامه‌ریزی توسعه نسبتی با پتانسیل فرهنگی و جوهره فرهنگی تاریخی داشته باشیم و برنامه‌ریزی ما مبتنی بر آن مؤلفه‌ها باشد. جامعه ایرانی را بر اساس آن حافظه تاریخی و فرهنگی شناسایی کنیم و توسعه‌مان را در همان راستا و با استفاده از ظرفیت‌های همان تاریخ و فرهنگ جست‌وجو کنیم.»

در بحران است که با جوهره جامعه آشنا می‌شویم

علی‌رغم وجود شکاف‌های اجتماعی و درحالی‌که این طور القا می‌شد که انسجام اجتماعی، کم‌رنگ شده، مواجهه مردم با حادثه بندر، نشان داد این همدلی اجتماعی همچنان حفظ شده، مهدیار در مورد حفظ این هویت تاریخی، گفت: «هویت یک مفهوم چندلایه است. سطوح مختلف هویت ممکن است در کشاکش‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی واکنش‌هایی داشته باشد. اما در چنین بحران‌هایی و هرچقدر عمق این بحران‌ها بیشتر باشد، سطوح زیرین لایه‌های هویتی بیشتر خود را نشان می‌دهد. در بحران است که با جوهره جامعه آشنا می‌شویم. آنجایی که افراد در معرض ریسک قرار دارند، از جهت وجودشناختی دچار بحران هستند، آنجاست که ذات و جوهره اجتماعی خود را نشان می‌دهد. به همین خاطر عمده پاری‌گری‌ها و مشارکت‌هایی که افراد دارند بیشتر خود را در بحران‌ها نشان می‌دهد، مگر اینکه به‌واسطه مناسک اجتماعی تثبیت شده باشند، تبدیل به یک عرف شده باشد. مثل آیین عاشورا که مردم ندزی می‌دهند، به هیت‌ها کمک می‌دهند و خودشان مشارکت می‌کنند. اما خارج از آیین‌ها و مناسک، وقتی خود را به شکل جدی نشان می‌دهد که افراد و جامعه خود را در معرض یک بحران بزرگ ببینند. به‌واسطه آن بحران‌ها راحت‌تر می‌توان لایه‌های پنهان جامعه را درک کرد و این خصیصه مشارکت و پاریگری جزء آن لایه‌های بنیادین و زیرین هویت اجتماعی و فرهنگی ما شده است.»

ما زنده‌ایم

ادامه از صفحه یک

۳ پاییز ۹۶ بود. برای مستندسازی و تهیه گزارش از زلزله سرپل ذهاب به منطقه رفتم. گفتند مسیر بسته است و باید با یکی از این‌هلی‌کوپترها پرید. خیال کردم جاده بر اثر زلزله خراب شده و قابل استفاده نیست. نگو منظور از بسته شدن جاده، ترافیکی بود که خودروهای شخصی ساخته بودند. یکی از بچه‌ها فیلمی از بالا گرفت که روی پت است. مردم از جای‌جای ایران با خودروی شخصی برای کمک آمده بودند. وقتی رسیدم با چند نفری حرف زدم. باور نمی‌کنید یکی از مشهود با نیشان آمده بود و ناد خشک و کنسرو

لعنتی‌های ترحم‌برانگیز

ادامه از صفحه یک

دروغ رضا پهلوی، حامد اسماعیلون، شیرین عبادی و حسین رونقی که حادثه بندرعباس را به گردن حکومت می‌اندازند، نقش همان افرادی را بازی می‌کنند که مشکلات روانی دارند و می‌خواهند واقعیت‌ها را انکار کنند.

۱ **معزهای کوچک:** در هیچ‌کجا در دنیا یک حادثه را به گردن حکومت نمی‌گذارند، آن هم در این روزها که دولت‌ها در حال کوچک‌سازی هستند و بسیاری از وظایف به بخش‌های خصوصی واگذار شده است. فقط ذهن‌های عقب‌افتاده چنین افکاری را رواج می‌دهند.

۲ **استقرار در جبهه دشمن:** به جای دفاع از وطن، هیچ‌گاه دشمن را سفیدشویی نمی‌کنند. مثلاً کیسینجر در جلسه با زلنسکی قطعاً به او گفته که تو بی‌عرضه‌ای که بخشی از خاک کشورت را از دست داده‌ای،

نیست. در این هنگامه است که حتی مراسمی مثل فستیوال کوچه که رسانه‌های فارسی‌زبان برای اختلاف‌افکنی و دوقطبی کردن جامعه به دنبال سوءاستفاده از آن بودند، تبدیل به نمادی از همدلی اجتماعی می‌شود. سوگو جمعی که بعد از حادثه بندر در فضای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه نمود پیدا کرد، حتی باعث شد چهره‌های ضد ایرانی حامی صهیونیسم که از بروز این حادثه تلخ، کف و سوت می‌زدند، به حاشیه بروند و مجال بروز و ظهور پیدا نکنند. ریشه این انسجام اجتماعی را که برای فروپاشی آن در سال‌های گذشته

حسین‌شهرستانی:

همدلی در بحران در ژنوم هویتی ایرانی‌هاست



علل بروز این تصویر همدلانه در جامعه ایرانی، باسیدحسین شهرستانی،

همدلی اجتماعی در هویت ایرانیان ریشه دارد

ریشه‌های تاریخی و فرهنگی رفتار ایرانیان است که باعث می‌شود، در هنگامه بروز بحران‌هایی مشابه انفجار بندر شهید رجایی، همدلی اجتماعی بروز و ظهور پیدا کند، موضوعی که سیدحسین شهرستانی در تحلیل اثرات اجتماعی به آن اشاره کرد و گفت: «یک بخشی از این تصویر ناشی از پشتوانه‌های فرهنگی و هویت فرهنگی ایرانیان است که به هر صورت از دیرباز در این لحظات خود را نشان می‌دهد. در واقع ایرانیان، یک جوهره فرهنگی و یک سرشت تاریخی دارند که این سبب تداوم تاریخی هویت ایرانی، در طول هزاره‌ها شده است و این سرشت فرهنگی و هویت تاریخی خود را در این مقاطع ظهور و بروز می‌دهد. مهم‌ترین نمود آن هم یک‌جمع‌گرایی و عبور از تنش‌های فردی، قومی، محلی، زبانی، جناحی و اینهاست که باعث می‌شود در عبور از مدارهای تنگ یک هویت ملی، ظهور و تداوم پیدا کنند. این خصیلتی بود که ایرانیان در طول تاریخ داشتند. اولین نقطه‌ای که در تاریخ این ویژگی را نمایان کرده است، به شهادت بسیاری از متفکران منجمله هگل، ایران بوده است. به تعبیر هگل، ایران اولین ملت تاریخی و اولین نقطه شروع تاریخ جهانی است، از این جهت که در ایران بود که اولین‌بار در تاریخ یک هویت فراگیر ملی شکل گرفت که فراتر از چهارچوب‌های تعلق قومی، زبانی و محلی و فردی، موضوع همبستگی و فداکاری یک ملت قرار می‌گیرد و این نقطه تأسیس یک ملت و مفهوم ملیت است. تلقی مدرن از مفهوم ملیت در دوران جدید، بعد از وسفالیایا و در دوره وستفالیایه وجود آمده است. اما مفهوم عامی از امر ملی در نقطه آغاز تاریخ از ایران شکل گرفته و در طول تاریخ هم تداوم پیدا کرده است. ملت‌هایی در طول تاریخ، دستاوردهایی برای تاریخ جهانی داشتند ولی دیگر تداوم نداشتند و ثوبت را به کشورهای دیگر دادند، برای مثال یونان در مقطعی، مهد تفکر سیاسی، مهد جمهوریت، مهد شکل‌گیری فلسفه بوده است، اما در همان عصر باستان، تمدن یونان این ویژگی خودش را از دست می‌دهد و پس از آن به‌رم و دیگر مناطق اروپا منتقل می‌شود. یا هند، چین و مصر هرکدام در مقطعی در تاریخ یک وجه تازه‌ای از تمدن را به مثابه دستاورد بشری عرضه کردند اما بعداً به تعطیلات تاریخ رفتند. اما می‌توان گفت ملت ایران، در نقطه سیدهدم تاریخ، نخستین بار طرح یک دولت جهانی و هویت ملی فراگیر را طرح می‌کند و این هویت را هم از دست نمی‌دهد و به صورت مداوم تا امروز آن را حفظ کرده است. این تداوم، خودش یک خصلت استثنایی به تاریخ ایران داده و در این مقاطع هم خودش را نشان می‌دهد. در واقع در شرایط عادی و روتین، این هویت تاریخی، ققنوسی است که دانم‌ای می‌سوزد و از خاکسترش دوباره زاده می‌شود، در شرایط عادی چهره خودش را آشکار نمی‌کند. در شرایط عادی مردم ما همان خصلتی را دارند که هرملتی، هر جامعه‌ای و توده مردم دارند. ممکن است نابرداری‌هایی داشته باشند، ممکن است رفتارهای پهنجار و ناپهنجاری داشته باشند، اما در شرایط استثنایی و خاص، یکباره انگار آن ژنوم فرهنگی، آن ذخیره ژنتیکی فرهنگی، خودش را آشکار می‌کند و بروز می‌دهد. آن عنصر مرکزی این ذخیره فرهنگی هم اسمش، آیین جوانمردی و روحیه فتوت است. بخش مهمی از این جوانمردی هم همین همیاری و نوع‌دوستی است.»

با وجود تهاجم‌های رسانه‌ای، چهارچوب‌های هویتی و فرهنگی‌مان را حفظ کردیم

شهرستانی به این موضوع هم اشاره کرد که تلاش‌های‌باری از بین بردن امر ملی چندان بی‌تأثیر نبوده، کمابینکه همه‌های گسترده‌ای هم برای از میان بردن امر ملی انجام شده و گفت: «این تأثیر ضرب در بازتاب‌ها و فوکس‌های رسانه‌ای عظیمی می‌شود که در ایران وجود دارد و هیچ ملتی، در هیچ جای تاریخ، این تهاجم رسانه‌ای را تجربه نکرده است، این در آن ضرب می‌شود در جامعه تش ایجاد می‌کند. نکته عجیب داستان این است که همچنان در مقاطع حساس تاریخی، زمانی‌که شرایط عادی به‌هم می‌ریزد و یک موقعیت استثنایی به‌وجود می‌آید، آن جوهره تاریخی، این حجاب‌ها رکنار می‌زند، ظرفیت‌های خودش را آزاد می‌کند و باعث می‌شود مایتوانیم، از این مقاطع تاریخی عبور کنیم. در طول تاریخ و نه‌تنها در این ۴۰ سال اینگونه نبوده است، زمانی که مغول وارد ایران شده، اسکندر حمله کرد، حمله اعراب که اگرچه باعث ورود اسلام به ایران شده و موهبتی برای فرهنگ ایران بوده است، اما استمگری‌های زیادی هم داشتند و حوادث زیاد دیگر، اما بالاخره این تاریخ تداوم پیدا کرده است و توانسته بعد از هر بحرانی، قدراست کند و از بحران عبور کند. در دوره معاصر، از قبل از مشروطیت و جنگ‌های بین‌الملل، بحران‌های دیگری داشتیم. اما در مجموع توانستیم به مثابه یک ملت بازخو و خورنری و دشواری، اما چهارچوب‌های هویتی و فرهنگی خودمان را حفظ کرده تداوم پیدا کنیم.»

شهرستانی در مورد اینکه می‌شود چه اقداماتی انجام داد که اثر این همدلی اجتماعی حفظ شود و دستاوردهای این همدلی از دست نرود، گفت: «در مقطعی در زلزله کرمانشاه، یک بخشی از اینفلوئنسر ها و سلبریتی‌ها تلاش کردند که از این انرژی آزاد شده اجتماعی برای خودشان باگریزی کنند. بخشی از جامعه هم به خاطر اینکه مقداری بی‌اعتمادی نسبت به چهارچوب‌های رسمی کم‌کم رسانی پیدا کرده بود، به سمت آن‌ها رفت و آب در آسیایشان ریخت. اما همان تجربه‌ای شد برای اینکه مردم هم به این فراینده‌ها بدبین شدند. الان از طرف مردم، این اعتماد و همراهی وجود دارد. با همه اعوجاج‌های ارتباطی بین دولت و ملت، و به هر حال مردم ترجیح می‌دهند به نسبت چهره‌های خلق‌الساعه و مدعی، به چهارچوب‌های رسمی اعتماد کنند. از آن طرف هم چهارچوب‌های رسمی هم تجاربی پیدا کردند و امیدواریم از این تجربه درس بگیرند و مراقب باشند که مردم احساس نکنند که همدلی و همراهی آن‌ها مصرف می‌شود.»

۵ حضور و ابراز احساسات مردم و شلوغ شدن پایگاه‌های انتقال خون، در این یکی دو روز برای حادثه بندرعباس، تأیید دیگری بر «ملت» بودن مردم ایران است. تجزیه‌طلب، تحریم‌طلب و آن‌ها که برای رساندن بمب‌افکن‌ها به ایران به التماس افتاده‌اند، صدای مردم ایران را شنیده‌اند: «ما زنده‌ایم». **۶** ویکی از غصه‌ها، بی‌تفاوتی‌های دوستان در مواجهه با مردم و «ندیدن»شان است. مسأوی گرفتن چند اکانت اینستاگرامی و توییتری یا تجمعی چند نفر بایک ملت ۹۰ میلیونی بر احساس و باعاطفه‌عین جفاست. مردم را باید دید و پشت سرشان راه افتاد؛ چراکه این مردم خوب می‌دانند که دوست داشتن وطن ضرورت است.

در خط تنظیم‌شده حرکت کنند.

۶ **کم‌عقل‌ها:** این چهار نفر در سال شاید هزاران بار به حکومت حمله می‌کنند. عقل حکم می‌کند که نقدهای کوچکی به جنایت‌های طرف غربی یا اسرائیل هم صورت دهند، اما حتی یک نقد کوچک هم صورت نمی‌گیرد. این کار فقط از کم‌عقل‌ها برمی‌آید و جالب است که این افراد از انسانیت دفاع می‌کنند.

۷ **مسعود رجوی‌های کم‌هوش‌تر:** کار این چهار نفر مشابه مسعود رجوی است؛ ائتلاف با دشمن و نشان دادن اینکه حکومت علیه مردم است. اما هرچند رجوی با سخنرانی‌های خود نشان می‌داد، هوش خوبی دارد؛ ولی موفق نشد. اما این چهار نفر نشان داده‌اند که حتی توان کارهای نو و جدید و سخنرانی جذاب را هم ندارند و صرفاً به حرف‌های تکراری بسنده می‌کنند، چون توانی ندارند!

فرهنگیان

فرهنگیان



دوشنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۴



شماره ۴۳۹۷



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE